

وحدت بشر و محبت و اتحاد عمومی

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (45) امر و خلق - جلد 3

۴۵ - وحدت بشر و محبت و اتحاد عمومی

از حضرت بهاء الله است در کتاب عهدی قوله جلّ و علا: مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلایا و انزال آیات و اظهار بینات انحام نار ضغینه و بغضابوده که شاید آفاق افتده اهل عالم بنور اتفاق منور گردد و باسایش حقیقی فائز گردد.

و قوله الاعزّ: طوبی لمن یحبّ العالم خالصاً لوجه ربّه الکریم.

و قوله الاجلّ: ای اهل ارض لعمری و عمرکم این مظلوم خیال ریاست نداشته و ندارد و مقصود رفع آنچه سبب اختلافات احزاب عالم و تفریق امم است بوده و هست تا کل فارغ و آزاد شده و بخود پردازند.

و در کتاب اقدس است قوله الاعلی: لا ترضوا لاحد ما لا ترضونه لانفسکم اتقوا الله و لا تكونن من المتکبرین کلکم خلقتن من الماء و ترجعون الی التراب تفکروا فی عواقبکم و لا تكونن من المتکبرین.

و در سوره هیکل است قوله الافضل: قل قد اتی المختار فی ظلّ الانوار لیحیی الاکوان من نفحات اسمہ الرحمن ویخّذ العالم ویجتمعوا علی هذه المائدة الّتی نزلت من السماء.

و قوله الاشمل: قل قد جاء الغلام لیحیی العالم ویخّذ من علی الارض کلّها



ORIGINAL

و در لوح دنیا است قوله الحق : فضل این ظهور اعظم آنکه آنچه سبب اختلاف و فساد و نفاق است از کتاب محو نمودیم و آنچه علّت الفت و اتحاد و اتفاق است ثبت فرمودیم نعیماً للعاملین مکرر وصیت نموده و مینمائیم دوستان را که از آنچه راحته فساد استشمام میشود اجتناب نمایند بل فرار اختیار کنند عالم منقلب است و افکار عباد مختلف نسأل الله أن یزینهم بنور عدله و یعرفهم ما ینفعهم فی کلّ الاحوال انه هو الغنی المتعال

و قوله الاکرم : طوبی از برای نفسی که در فراش تکیه نماید و قلبش به محبت اهل عالم منور باشد .

و در لوح دیگر قوله الاعلی : یا حق نظر مالک قدر در منظر اکبر عباد ارض را به آنچه که سبب تألیف قلوب و اتحاد و اتفاق نفوس است امر مینماید اوامر و احکام الهی سبب اعظم و علّت کبری است از برای آسایش امم و لکن نظر به بیداشتی از عرفان این مقام اعلی اکثری محروم اند اوهام عباد را بر سنّة الله و امره مقدم میدارند تو و اهل ارض را وصیت میفرماید به آنچه که سبب تقدیس و تنزیه و راحت و تقرب کلّ است بگو اوهام و ظنون را بگذارید و به اوار نیر بیان مقصود عالمیان توجه کنید اوست دوست یگّا و محبوب یگّا ذکرش مالک اذکار و امرش ملیک اوامر و احکام قلّ ضعوا سنن انفسکم و خذوا سنن الله انّها تحرسکم عما لا ینبغی لعباده انه علی کل شیئی قدیر از حق جلّ جلاله از برای کل استقامت میطلبیم چه که امرش عظیم است و یوم عظیم .

در لوح بشارات است : همه اوراق یک شجرید و قطره‌های یک بحر . در الواح مذکوره در فردوس اعلی نازل شد آنچه که مصباح هدایت است از برای اهل عالم و بحر رحمت است از برای امم ارجعوا الیها لتعرفوا ما نزل فیها من لدن منزل قدیم .

و قوله الاعلی : یا احبائی ما خلقتم لانفسکم بل للعالم ضعوا ما ینفعکم و خذوا ما ینتفع به العالم .

و در لوحی دیگر قوله جلّ و عزّ بیانه : ای اهل عالم همه باریکدارید و برگ یک شاخسار بکمال محبت و اتحاد و مودت و اتفاق سلوک نمائید قسم به آفتاب حقیقت نور اتفاق آفاق را روشن نماید . و قوله الامنع : انظروا الی ما دونکم کما تنظرون الی انفسکم هذا مذهب الله ان اتم من العارفين و هذا دین الله لو اتم من السامعین .

و قوله الاعزّ الامنع : قد جئنا لاتحاد من علی الارض و اتّفاقهم یشهد بذلك ما ظهر من بحر بیانی و لکنّ القوم اکثر هم فی بعد مبین .

و قوله الاعمّ الابدع : ابهی ثمره شجره دانش این کلمه علیا است همه باریکدارید و برگ یک شاخسار لیس الفضل لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم .

و قوله الاتم الاحکم : یا حزب الله بخود مشغول نباشید در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید اصلاح عالم از اعمال طیبۀ طاهره و اخلاق راضیۀ مرضیه بوده .

و قوله الابدع الارفع : ان ربکم الرحمن یحب ان یری من فی الاکوان کنفسٍ واحده و هیکلٍ واحدٍ اغتتموا فضل الله و رحمته فی تلك الایام التي ما رأَتْ عین الابدع شبهه طوبی لمن نبذ ما عنده ابتغاءً لما عند الله نشهد انه من الفائزین .

و قوله العمیم : آنچه سبب نفع عالم است هر چه باشد لدی الله مقبول و محبوب و دون آن هر چه باشد مردود چه که این ظهور محض نجات و اصلاح و اتحاد و اتفاق و راحت اهل عالم بوده .

و قوله جل و عز : کل را وصیت مینمائیم به امانت و دیانپ و اعمال طیبیه و اخلاق مرضیه تا عالم به طراز اخلاق مزین شود و نار بغضاء که در صدور ملل مختلفه مشتعل است به کوشش محبت اولیاء و نصائح مشفقۀ و مواعظ حسنه اطفاء پذیرد و من علی الارض یک حزب مشاهده شود این است اصل مقصود .

و قوله تمت آیاته : انظروا العالم کھیکل انسان اعترته الامراض و برئه منوط بالتحاد من فیہ اجتمعوا علی ما شرعناه لکم و لا تتبعوا سبل المختلفین .

و قوله الاصرح الابلغ : ما جئنا الا لتطهیر نفوسکم من الضغينة و البغضاء یشهد بذلك من عنده ام الكتاب .

و قوله الاعظم الاتم : نخستین گفتار دانا آنکه ای پسران خاک از تاریکی بیگانگی بروشنی خورشید یگانگی روی نمائید این است آن چیزی که مردمان جهان را بیشتر از همه چیز بکار آید دوست دانا میفرماید راه آزادی باز شده بشتابید و چشمۀ دانائی جوشیده از او بیاشامید بگو ای دوستان سرپرده یگانگی بلند شده بچشم بیگانگان یکدیگر رانینید همه بار یکدارید و برگ یک شاخسار برستی میگویم آنچه از نادانی بکاهد و بر دانائی بیفزاید او پسندیده آفریننده بوده و هست بگو ای مردمان در سایه داد و راستی روید و در سرپرده یگائی درآئید .

و از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله الحکیم : سیاست الهی مهربانی به جمیع بشر است بدون استثناء آن سیاست حقیقی است و این روش شایان نفوس مقدسه رحمانیه

و در خطابی دیگر قوله اللطیف : پس احبای الهی باید در عالم وجود رحمت رب و دود گردند و موهبت ملیک غیب و شهود نظر را پاک نمایند و نوع بشر را برگ و شکوفه و ثمر و شجر ایجاد مشاهده کنند همیشه به این فکر باشند که خیری به نفسی رسانند و محبت و رعایتی و مودت و اعانتی بنفسی نمایند دشمنی نبینند و بدخواهی نشمرند جمیع من علی الارض را دوست انگارند و اغیار را یار دانند و بیگانه را آشنا شمرند و بقیدی مقید نباشند

بلکه از هر بندی آزاد گردند الیوم مقرب در گاه کبریا نفسی است که جام وفا بخشد و اعداء را در عطا مبدول دارد حتی ستمگر بیچاره را دستگیر شود و هر خصم لدود را یار ودود... خلق را بخدا بخوانید و نفوس را به روش و سلوک ملأ اعلی دعوت کنید یتیمان را پدر مهربان گردید و بیچارگانرا ملجاء و پناه شوید فقیران را کنز غنا گردید و مریضان را درمان و شفا معین هر مظلومی باشید و مجیر هر محروم در فکر آن باشید که خدمت به هر نفسی از نوع بشر نمائید و به اعراض و انکار و ظلم و عدوان اهمیت ندهید و اعتنا نکنید بالعکس معامله نمائید و به حقیقت مهربان باشید نه بظاهر و صورت هر نفسی از احبای الهی باید فکر را درین حصر نماید که رحمت پروردگار باشد و موهبت آمرزگار بهر نفسی برسد خیری بنماید و نفعی برساند و سبب تحسین اخلاق گردد و تعدیل افکار تا نور هدایت بتابد و موهبت حضرت رحمانی احاطه نماید محبت نور است در هر خانه بتابد و عداوت ظلمت است در هر کاشانه لانه نماید ای احبای الهی همّتی بنمائید که این ظلمت بکلی زائل گردد تا سرّ پنهان آشکار شود و حقایق اشیاء مشهود و عیان گردد .

و قوله المتین : این است صفت یزدانیان این است سمت بهائیان پس یاران باید با جمیع ملل بنهایت مهربان باشند و دلسوز و غم خوار نوع انسان ایرانیانی که در آن صفحات هستند هر قدر اجتناب کنند شما نزدیکی طلبید و هر قدر اذیت کنند شما محبت بنمائید و آنچه بد گویند شما ملاطفت فرمائید به هر وسیله که ممکن باشد بنهایت دلجوئی را از آنها بنمائید از سب و لعن و هتک منزجر نگردید بلکه مانند چشمه آب حیات منفجر شوید باز محبت کنید الفت نمائید .

و قوله الحنون : زنهار زنهار که خاطری بیازارید و قلبی را شکسته نمائید و دلی را دردمند کنید و جانی افسرده نمائید و نفسی را پزمرده کنید ولو دشمن جان باشد و اهل عدوان .

و از خطاب به بهائیان امریکا است قوله الجلیل : هو الله ایها المنجذب بنفحات الله قد وصلنی تحریرک الا خیر الدال علی فرط محبتک لعبد البهاء و توکلک مع الله و حسن نیتک الصادقه فی خدمة امر الله و نعم البیان ما کتبت فی ذلک التحریر الکریم بانکم تحتاجون فی تلک الدیار الی المحبة و الألفة بین القلوب و الارواح و هذا هو الحقّ و ما بعد الحقّ الا الضلال اعلم حقّ الیقین انّ المحبة سرّ البعث الالهی و المحبة هی التجلی الرحمانی المحبة هی فیض الروحانی المحبة هی النور الملکوتی المحبة هی نفثات روح القدس فی الروح الانسانی المحبة هی سبب ظهور الحقّ فی عالم الامکانی المحبة هی الروابط الضروریة المنبعثة من حقائق الاشیاء بايجاد الهی المحبة هی وسیلة السعادة الکبری فی عالم الروحانی والجسمانی المحبة هی نور یهدی به فی الغیب الظلمانی المحبة هی الرابطة بین الحقّ و الخلق فی عالم الوجدانی المحبة هی سبب الترقی لكل انسان نورانی المحبة هی التأموس الاعظم فی هذا الکون العظیم الالهی المحبة هی النظام الوحید بین الجواهر الفردیة فی التّریب و التّدیر فی التحقّق المادی المحبة هی القوة الکلیة المغناطیسیة بین هذه السیارات و النجوم الساطعة فی الاوج العالی المحبة هی سبب الانکشافات لاسرار المودعة فی الکون بفکر ثاقب غیر متناهی المحبة هی روح الحیات لجسم الکون الغیر المتناهی المحبة هی سبب تمدّن الأمم فی

هذه الحيوة الفاني المحبّة هي الشرفُ الاعلى لكل شعبٍ متعالى و اذا وفق الله قوماً بها يصلّين عليهم اهل ملاء الاعلى و اهل ملكوت الابهى و اذا خلت قلوب قومٍ من هذه السنوحات الرّحمانية المحبّة الالهية سقطوا في اسفل درك من الهلاك و تاهوا في بيداء الضلال و وقعوا في وهدة الخيبة و ليس لهم خلال اولئك كالحشرات العائشة في اسفل الطبقات يا احباء الله كونوا مظاهر محبة الله و مصايح الهدى في الافاق مشرقين بنور المحبّة و الوفاق و نعم الاشراق هذا الاشراق يا عزيزى عليك بأن تطبع هذا الكتاب و تنشره بين الاحباب في امريكا حتى يتحدوا و يتفكروا و يحبوا بعضهم بعضاً بل يحبوا جميع البشر و يفادوا ارواحهم بعضهم بعضاً هذا سبيلُ البهاء هذا دينُ البهاء هذا شريعةُ البهاء و من ليس له هذا فليس له نصيبٌ من البهاء و عليكم التحية و الثناء . ع ع

و در سفرنامه امريكا است قوله العظيم : هر امر عمومي الهى است و هر امر خصوصى بشرى .